

چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در مدارس

معاونت پژوهش‌های اجتماعی – فرهنگی
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۷۱۴۴
تیرماه ۱۳۹۹

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	الف) تحلیل سیاستی آموزش زبان عربی در اسناد و قوانین بالادستی حوزه آموزش و پرورش
۷.....	ب) چالش‌های اجرایی پیش روی آموزش زبان عربی
۱۵.....	راهکارها
۱۷.....	منابع و مآخذ



چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در مدارس

چکیده

تا قبل از انقلاب اسلامی، زبان عربی به صورت محدود در نظام آموزش و پرورش آموزش داده می‌شد، اما بعد از انقلاب و براساس اصل شانزدهم قانون اساسی، تدریس این زبان بعد از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه مقاطع و همه رشته‌ها الزامی شد، زیرا زبان عربی زبان قرآن و معارف اهل بیت (ع) است و این زبان با زبان فارسی بسیار درآمیخته، به نحوی که فهم زبان فارسی تا حدی در گرو آشنایی و فهم زبان عربی است. علاوه بر این به تدریج بر اهمیت مراودات اقتصادی با کشورهایی که زبان آنها عربی است افزوده می‌شود و از دیدگاه استفاده از مزیت‌های اقتصادی و نیز برای کسب موفقیت در رقابت با سایر کشورها یادگیری زبان عربی دارای اهمیت است. از این رو همواره یادگیری زبان عربی به مثابه دغدغه‌ای برای سیاستگذاران حوزه فرهنگی و آموزشی مطرح است.

اما آنچه در عمل حوزه آموزش زبان عربی با آن مواجه بوده است اینکه آموزش این زبان (همانند زبان انگلیسی) در مدارس با چالش‌هایی روبه‌رو بوده و همین مشکلات و چالش‌ها مانع از تحقق کامل امر یادگیری شده‌اند. شناسایی این موارد، پرسش گزارش پیش رو است. برای پاسخ به این پرسش ابتدا متون قانونی و سیاستی پیرامون آموزش زبان عربی همچون قانون اساسی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند نقشه جامع علمی کشور، برنامه درسی ملی و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش مورد تحلیل و بررسی واقع شده تا بتوان جایگاه این زبان و رویکرد حوزه سیاستگذاری به آن را دریافت و سپس در بخش دوم گزارش، براساس پژوهش‌های صورت گرفته سعی در آسیب‌شناسی آموزش زبان عربی در مدارس شده است.

براساس یافته‌های این گزارش، مهم‌ترین چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران عبارتند از: ضعف نیروی انسانی آموزش زبان عربی، روش سنتی آموزش زبان عربی، غلبه گرامر و قواعدمحوری در آموزش زبان عربی، نبود وسایل کمک‌آموزشی دیداری و شنیداری و ابزارهای چندرسانه‌ای، عدم تبیین درست اهداف آموزش زبان عربی، نامناسب بودن روش ارزشیابی درس زبان عربی و ناکارآمدی آموزش‌های ضمن خدمت.

برخی از مهم‌ترین راهکارها عبارتند از: بازنگری در حوزه تربیت و یادگیری زبان عربی در برنامه درسی ملی با رویکرد تأکید بر نقش ارتباطی زبان عربی در متون درسی، بازنگری و اصلاح فرایند تربیت نیروی انسانی ویژه آموزش زبان عربی، برگزاری دوره‌های تخصصی و حضوری آموزش معلمان، توجه به متن‌محوری، ایجاد تحول اساسی در روش‌های سنتی تدریس و استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین آموزش زبان خارجی، اصلاح و بازنگری اساسی در نحوه ارزشیابی، تغییر و بازنگری در محتوای درسی با رویکرد پرهیز از قواعدمحوری و تبیین فلسفه، اهداف و ضرورت‌های ارائه آموزش زبان عربی در مدارس ایران.

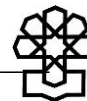
مقدمه

کتاب آسمانی قرآن، دین مبین اسلام و رابطه درهم‌تنیده فرهنگی و تمدنی ایرانیان با جهان عرب از گذشته تاکنون، فراگیری این دو زبان را از سوی دو ملت بیش از هر زمانی ضرورت می‌بخشد. زبان فارسی و عربی با وجود تفاوت‌های رده‌شناختی، از ارتباطی درهم‌تنیده و گسترده در ابعاد مختلف برخوردارند. به بیان دیگر، زبان عربی از آن‌رو در کشور ما دارای جایگاه خاصی است که زبان نخست جهان اسلام و تمدن اسلامی و بسیاری از کشورهای مسلمان است و چه بسا مهم‌ترین عنصر وحدت‌بخش میان مسلمانان و کشورهای اسلامی به‌شمار می‌آید که بازنمای فرهنگ و تمدن باشکوه اسلامی در گذر تاریخ است.

از سوی دیگر، «سیاستگذاری آموزش زبان خارجی در هر کشور از مهم‌ترین موضوعات کلان مرتبط با حوزه آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی محسوب می‌شود که از یک‌سو با توجه به نقش مهمی که دانستن زبان خارجی در موفقیت فردی و اجتماعی فراگیران در سطح ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند و از دیگر سو ضرورت حفظ و تقویت ارزش‌ها و باورهای مذهبی ملی افراد در دهکده جهانی می‌تواند تأثیرات بلندمدت و عمیقی بر نسل‌های مختلف یک ملت داشته باشد. سیاستگذاری‌های کلان فرهنگی و آموزشی، نقش انکارناپذیری در آینده علمی میهن‌مان ایفا می‌کنند. در دورانی که ضرورت ایجاد تحول بنیادین در آموزش و پرورش کشور در عالی‌ترین سطوح مورد تأکید قرار گرفته، شاهد تدوین اسناد و سیاستگذاری‌های زیربنایی و بسیار مهمی از جمله «سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران»، «سند نقشه جامع علمی کشور»، «سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت» هستیم که هدایتگر و زمینه‌ساز تحقق تحول بنیادین در عرصه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران هستند. این اسناد بالادستی که با رویکرد تأکید بر عناصر و دستاوردهای بومی و پرهیز از فروغلتیدن در ترجمه صرف منابع خارجی تدوین شده‌اند، نقشه راه و قطب‌نمای حرکت نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور محسوب می‌شوند». (علوی‌مقدم و خیرآبادی، ۱۳۹۱: ۲۸)

خلاصه آنکه آموزش زبان عربی در ایران همواره یکی از دغدغه‌های سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در سطوح کلان و خرد بوده است، به طوری که براساس اصل شانزدهم قانون اساسی، آموزش زبان عربی در برنامه درسی همه پایه‌های تحصیلی دوره متوسطه اول و دوم در مدارس گنجانده شد.

بنابر پیشینه و عظمت تاریخی نقش ایرانیان در آموزش و یادگیری زبان عربی، می‌تواند که ایران سرآمد و یکی از قطب‌های یادگیری زبان عربی در منطقه و جهان باشد، اما با نگاهی به سیاستگذاری‌های کلان آموزش زبان عربی در ایران و نیز خروجی و دستاوردهای عملی این سیاست‌ها و برنامه‌ها، ناکارآمدی و ناکامی در یادگیری زبان عربی به‌روشنی به‌چشم می‌خورد به طوری که به یکی از دشوارترین و غیرکاربردی‌ترین زبان‌ها مبدل شده و اغلب افراد جامعه چندان رغبتی به یادگیری آن نشان نمی‌دهند



(فسنقری و عادل، ۱۳۹۷: ۱۹۹) و می‌توان براساس شواهد پژوهشی ادعا کرد که خروجی یادگیری و فراگیری این زبان به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش بسیار نامناسب است.

اهمیت و جایگاه زبان عربی از یک‌سو و وضعیت ناخوشایند یادگیری این زبان در مدارس ازسوی دیگر سبب شده تا در این گزارش به واکاوی این مسئله در دو سطح سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اجرایی آموزش زبان عربی پرداخته شود. مهم‌ترین سؤالات این گزارش عبارتند از: چالش‌های آموزش زبان عربی در اسناد کلان بالادستی و برنامه‌ریزی‌های خرد زبانی کدام است؟ چه راهکارهایی می‌تواند به فرایند آموزش مهارتی زبان عربی در ایران کمک کند؟

روش انجام پژوهش حاضر، تحلیل محتوای کیفی است، برای پاسخ به پرسش‌های این گزارش ابتدا به بررسی اسناد و قوانین بالادستی حوزه آموزش زبان پرداخته و از یافته‌های پژوهشی مرتبط با چالش‌های یادگیری زبان عربی در مدارس استفاده شده است.

الف) تحلیل سیاستی آموزش زبان عربی در اسناد و قوانین بالادستی حوزه آموزش و پرورش

قبل از واکاوی چالش‌های آموزش زبان عربی در ایران و ارائه هرگونه راهکار در این زمینه ضروری است که جایگاه آموزش زبان عربی در اسناد بالادستی روشن شود. در جدول زیر مهم‌ترین گزاره‌هایی که در این اسناد به موضوع یادگیری زبان عربی پرداخته نشان داده شده است:

جدول جایگاه آموزش زبان عربی در قوانین و اسناد بالادستی

ردیف	عنوان	مرجع تصویب	تاریخ تصویب	متن سیاستی
۱	قانون اساسی	مجلس خبرگان	۱۳۶۸/۶/۶	اصل (۱۶) - از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.
۲	مصوبه جلسه ۶۲۶	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۷۷/۷/۳۰	جزء «۵»، بند «پ» (اهداف علمی آموزشی): ترویج زبان و خط فارسی به‌عنوان زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران و آموزش زبان عربی به‌منظور آشنایی با قرآن و معارف اسلامی
۴	مصوبه جلسه ۶۴۷	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۷۹/۲/۲۹	بند «۵» - اهداف علمی آموزشی: با زبان عربی برای فهم بهتر قرآن و احادیث و ادعیه و ادبیات فارسی تا حدودی آشناست.
۵	مصوبه جلسه ۶۴۷	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۷۹/۲/۲۹	بند «۶» - اهداف علمی و آموزشی: زبان عربی را در سطح درک معنای برخی از سوره قرآن و احادیث و اذکار نماز و دعاهای متداول می‌داند و از دانش خود در زبان عربی برای فهم بهتر متون ادب فارسی استفاده می‌کند.

ردیف	عنوان	مرجع تصویب	تاریخ تصویب	متن سیاستی
۶	مصوبه شماره ۶۷۸	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۸۱/۳/۲۸	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مکلف به فراهم کردن مواد درسی لازم برای زبان‌های خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی کرده است.
۷	سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی عمومی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۸۹/۵/۲	راهکار ۱/۷: تقویت آموزش زبان‌های فارسی (اصلی) و عربی در چارچوب بخش الزامی برنامه درسی، برای تقویت و تحکیم هویت اسلامی و ایرانی
	سند نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۸۹/۱۰/۱۴	راهبرد کلان ۶ بند «۴۱» - ارتقا و افزایش جذابیت آموزش‌های قرآنی و اصلاح روش‌های آموزشی دینی و عربی راهبرد کلان ۹ بند «۵» - اصلاح و تحول در روش‌های آموزش زبان به‌ویژه زبان عربی و انگلیسی در مقاطع آموزش عمومی
۷	قانون برنامه پنجم توسعه	مجلس شورای اسلامی	۱۳۸۹/۱۰/۳۰	ماده (۱۹) - بند «الف» - جزء «۹» - ارائه برنامه جامع آموزش قرآن اعم از روان‌خوانی و فهم قرآن و برنامه تلفیقی قرآن، معارف اسلامی و عربی با اهداف قرآنی
۸	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۰	راهکار ۵-۱- ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه‌تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تشبیت و تقویت هویت ایرانی و اسلامی
۱۰	برنامه درسی ملی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۹۱	بند «۳-۶» - برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش‌آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت‌های تعلیم و تربیت تأکید کند. بند «۳-۷» - آگاهی از گذشته و حال جوامع بشری به‌ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران بند «۴-۷» - به‌کارگیری مهارت‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی به‌عنوان زبان دین بند «۲-۸» - یادگیری زبان عربی به‌عنوان زبان قرآن سبب می‌شود که فرد بتواند به‌طور مستقیم با کتاب الهی ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره‌برد. همچنین آموزش این زبان سبب می‌شود که مترجمان بتوانند از معارف اهل بیت (ع) و فرهنگ غنی اسلام استفاده کنند. ازسوی دیگر زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی درآمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت. قلمرو و حوزه «آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به‌میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.



در ادامه با توجه به مفهوم گزاره‌های اسناد و قوانین بالادستی به تبیین جایگاه آموزش زبان عربی براساس یافته‌ها و تحلیل اسناد مذکور پرداخته می‌شود.

۱. لزوم آموزش زبان عربی در مدارس براساس قانون اساسی و دیگر اسناد بالادستی

براساس قانون اساسی، آموزش زبان عربی بعد از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه مدارس الزامی شده است و دیگر اسناد و قوانین بالادستی همچون قانون برنامه پنجم توسعه، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش بر تدریس این ماده درسی در مدارس تأکید داشته‌اند، این در حالی است که به غیر از زبان و ادبیات فارسی، هیچ ماده درسی دیگری از چنین جایگاهی در اسناد و قوانین بالادستی کشور برخوردار نیست و دیگر زبان‌ها براساس همین اسناد و قوانین حالت نیمه تجویزی دارند.

۲. کارکرد ویژه زبان عربی برای فهم قرآن، معارف اهل بیت (ع) و ادبیات فارسی

از جمله مواردی که در متن قانون اساسی و دیگر اسناد بالادستی پیرامون یادگیری زبان عربی بر آن تأکید شده، فراگیری قرآن کریم و آشنایی با معارف اهل بیت (ع) است. افزون بر این، یادگیری زبان فارسی و توجه به روابط درهم‌تنیده عربی و فارسی از نقاط قوت اسناد بالادستی در این حوزه است. به این معنا که زبان عربی کارکرد ویژه‌ای در فهم قرآن و معارف اهل بیت (ع) و نیز فهم زبان و ادبیات فارسی دارد و همین کارکرد زبان عربی جایگاه برجسته‌ای به آن بخشیده است که دیگر زبان‌های خارجی از آن برخوردار نیستند.

۳. توجه به مسائل فرهنگی، تمدنی و تاریخی

از میان زبان‌های خارجی یا سایر زبان‌های غیر از ادبیات فارسی تنها زبان عربی است که با فرهنگ، تمدن و تاریخ ایران درهم‌تنیده است و فهم این حوزه تمدنی، نیاز به زبان عربی را دوچندان می‌کند. همین ضرورت، نیاز به یادگیری زبان عربی را ایجاد کرده که در اسناد بالادستی نیز بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

۴. توجه همه اسناد و قوانین به آموزش زبان عربی

تقریباً اغلب اسناد بالادستی حوزه آموزش و پرورش به اهمیت فراگیری آموزش زبان عربی اشاره کرده‌اند که نشان از جایگاه والای این زبان به‌ویژه از نظر دینی و فرهنگی دارد.

۵. معطوف بودن آموزش مهارت‌های چهارگانه زبانی عربی به اهدافی خاص

اگرچه اغلب اسناد و قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی، زبان عربی را در خدمت کتاب آسمانی و فهم معارف اهل بیت (ع) قرار داده است، اما در برنامه درسی ملی به‌طور صریح‌تر و شفاف‌تر به این هدفگذاری

اشاره شده است؛ قلمرو و حوزه «آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.

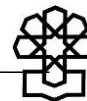
۶. عدم توجه به کارکرد ارتباطی زبان عربی در برنامه درسی ملی

براساس اسناد بالادستی زبان عربی، از یک‌سو زبان خارجی به‌شمار نیامده و ازسوی دیگر نمی‌تواند زبان دوم باشد، چراکه کاربرد ارتباطی در جامعه ندارد. در مصوبه شماره ۶۷۸ مؤرخ ۱۳۸۱/۳/۲۸، شورای عالی آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مکلف کرده است تا مواد درسی لازم برای زبان‌های خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی را فراهم کند. برنامه درسی ملی نیز براساس همین مصوبه و سایر اسناد بالادستی حوزه برنامه درسی، زبان عربی را ذیل حوزه تربیت و یادگیری زبان خارجی قرار نداده، بلکه آن را ذیل حوزه تربیت و یادگیری معارف اسلامی جای داده است، اما نکته مهم آنکه کارکرد ارتباطی زبان عربی در برنامه درسی ملی تقریباً نادیده گرفته شده است. این در حالی است که اصل شانزدهم قانون اساسی بر وجه زبانی زبان عربی تأکید داشته و دیگر اسناد بالادستی نیز شناخت و ارتباط با جامعه منطقه‌ای و جهانی را مورد تأکید قرار داده‌اند، همه اینها درحالی است که زبان رسمی بسیاری از کشورهای همسایه، زبان عربی است و راه ایجاد تعامل، برقراری ارتباط و فهم فرهنگ و اندیشه آنها، یادگیری زبان عربی مبتنی بر کارکرد ارتباطی آن است.

خلاصه آنکه اگرچه به‌درستی و براساس اسناد بالادستی فهم قرآن، معارف اهل بیت (ع) و آمیختگی با زبان و ادبیات فارسی از علل اولیه توجه به آموزش زبان عربی و لزوم تدریس آن در دوره متوسطه است، اما کارکرد ارتباطی آن زبان به‌ویژه با توجه به آمیختگی تمدنی و فرهنگی و همسایگی با کشورهای عربی ضرورتی است که در برنامه درسی ملی مورد توجه قرار نگرفته است.

همه اینها در حالی است که ضعف آموزش زبان عربی همواره مورد توجه و پرسش قرار گرفته تا جایی که در نقشه جامع علمی کشور بر اصلاح و تحول در روش‌های آموزش زبان عربی تأکید شده است و به نظر می‌رسد افزودن کارکرد ارتباطی در کنار سایر کارکردهای این زبان، می‌تواند به ارتقای وضعیت یادگیری این زبان بینجامد. «در این راستا عده‌ای بر این باورند که آموزش زبان عربی در ایران وسیله ارتباطی میان فراگیران و اهل زبان نیست و حتی اگر زبان عربی با هدف فهم متون دینی آموزش داده شود تا زمانی که به‌عنوان یک زبان خارجی به آن نگاه نکنند، در یادگیری آن موفق نخواهند بود».

(پروینی، ۱۳۹۴: ۲۲)



۷. در برخی متون سیاستی همانند مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (جلسه ۶۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۹ بند «۶») و نیز سند برنامه درسی ملی (مصوب ۱۳۹۱ بند «۲-۸») بر درهم آمیختگی زبان عربی و زبان فارسی و لزوم تقویت یکی برای دیگری تأکید شده است، این در حالی است که آنچه عملاً در کلاس‌های درسی مشاهده می‌شود، این است که دانش‌آموزان بین یادگیری مطالب زبان عربی با زبان فارسی ایجاد پیوندی نمی‌بینند و دو زبان را به صورت تقریباً جداگانه می‌آموزند (کاربرد آموزش زبان عربی در یادگیری دستور زبان فارسی یا بالعکس ملموس نیست).

ب) چالش‌های اجرایی پیش روی آموزش زبان عربی

۱. چالش نیروی انسانی آموزش زبان عربی

آنچه از کلاس‌های درس خواه دانشگاه‌هایی که وظیفه آنها تربیت تخصصی معلمان این حوزه است، همانند دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه‌های دیگر، حاصل می‌شود، این است که اغلب دانش‌آموختگان فاقد مهارت‌های لازم در حوزه‌های سه‌گانه آموزش - یادگیری (شناختی/عاطفی/مهارتی) هستند؛ در بسیاری از موارد کتاب‌های نگاشته شده در این زمینه و به تبع روش تدریس معلم کمتر علاقه شخصی زبان‌آموزان را به خود جلب می‌کند. شایان ذکر است در اغلب مراکز دانشگاهی آموزش زبان عربی از رویکرد سنتی مدرسه تبعیت می‌شود. به عنوان نمونه در مقطع کارشناسی در حوزه دستور زبان عربی، تدریس کتاب مبادئ العربیة اثر رشید شرتونی که دارای کمترین کارایی و خلاقیت است، برای مدرس الزامی است.

پژوهش‌های میدانی (حق‌دوست راد، ۱۳۸۸: ۳۶) و (لامعی گیوی و مقبولی، ۱۳۹۷: ۸۱) نشان می‌دهد، با وجود اینکه دانش‌آموزان به مدت ۶ یا ۷ سال زبان عربی را فرامی‌گیرند، کمتر فارغ‌التحصیل دبیرستان می‌تواند با اکتفا به اندوخته‌هایش در مدرسه، قادر به فهم مضامین قرآن یا احادیث باشد، یکی از عمده دلایل این نقیصه این است که معلم قواعد را به صورت طوطی‌وار به او القا می‌کند و بعد از فراغت از امتحان قواعد مذکور کارایی خود را از دست می‌دهند.

همچنین در پژوهش (حکیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۰)؛ متأسفانه معلمان به مهارت‌های زبان عربی مسلط نیستند و نمی‌توانند این مهارت‌ها را به دانش‌آموزان آموزش دهند و مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای آموزش زبان عرب را، همچون آشنایی با روش‌های تدریس زبان دوم/خارجی و فرهنگ عرب‌زبانان ندارند. نمی‌توان انتظار داشت در شرایطی که معلمان زبان عربی به مهارت‌های زبانی مسلط نیستند و درک صحیح و جامعی از روش‌های تدریس زبان ندارند و هرگز از زبان عربی در موقعیت عملی استفاده نکرده‌اند و قادر به تدریس مهارت‌های زبانی نیستند، به نتایج قابل قبولی در زمینه آموزش زبان عربی رسید.

اگرچه باید به این نکته مهم اشاره کرد که آموزش زبان عربی در دنیا نیز با چنین مشکلاتی مواجه است. ایمان‌زاده و عبادی به نقل از طاها تومور (۲۰۰۸) چنین بیان می‌کنند: «وضعیت آموزش زبان

عربی در دنیا سنتی و معلم‌محور است. در این رویکردها محوریت با کتاب‌ها و متون درسی است و خلاقیت چندانی در آن دیده نمی‌شود. راهکار برون‌رفت از این مسئله، بازنگری در محتوای تربیت معلم و بازآموزی معلمان می‌باشد». (ایمان‌زاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۴)

پژوهشی دیگر؛ «یکی از معضلات این واحد درسی غنی و گرانبها، استفاده از معلمان غیرمتخصص می‌باشد... و از آنجایی که کمبود دانش تخصصی معلم باعث می‌شود درس به‌خوبی تفهیم نشود و یا پاسخ سوالات آنها به اشتباه داده شود، دلسردی دانش‌آموزان را به دنبال دارد». (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۳)

بی‌تردید بخش بزرگی از این ضعف عمومی به میزان کارآمدی نیروی انسانی فارغ‌التحصیل از دانشگاه های کشور مربوط می‌شود. حال آنکه براساس مصوبه جلسه ۸۶۹ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۸ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی، درخصوص طرح کلان معماری برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان، «زبان‌آموزان رشته زبان و ادبیات عربی لازم است در کنار تقویت مهارت‌های زبانی از قبیل گفتگو، نگارش، شنیدن و درک مطلب نسبت به اجزای جمله و نقش کلمات و نیز نقد و تحلیل متن و... اطلاعات لازم را داشته باشند». زیرا معلم آموزش زبان نه تنها نقش هدایتگری برای دانش‌آموزان برعهده دارد، بلکه افزون بر این، معلم الگوی زبان‌آموزی دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود به‌ویژه برای زبان‌های خارجی که گویش‌وران بومی آنها در پیرامون محل سکونت دانش‌آموز وجود ندارد. از این‌رو معلم باید به مهارت‌های چهارگانه زبان مسلط باشد و فراتر از این، دانش‌های زبانی همچون آواشناسی، واژه‌شناسی و تکنیک‌های آموزش زبان را بداند.

۲. روش سنتی آموزش زبان عربی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های آموزش زبان عربی که تا حد بسیار زیادی می‌تواند میزان موفقیت این امر را بالا ببرد، روش آموزش این زبان است. «امروزه متخصصان آموزش زبان‌های خارجی می‌کوشند با استفاده از شیوه‌های نوین تدریس، با وجود همه عوامل مشکل‌ساز، آموزش زبان‌های خارجی را با کمترین امکانات پیش ببرند. بسیاری از صاحب‌نظران آنقدر به روش تدریس اهمیت می‌دهند که آموزش موفقیت‌آمیز را در گروی همراهی دانش کافی معلم در زمینه تخصصی وی و شیوه مناسب تدریس می‌دانند، زیرا بر این باورند که بدون اتخاذ شیوه مناسب تدریس معلم نمی‌تواند دانش خود را خوب به دیگران منتقل کند». (متقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

یکی از اولین متدهای آموزش زبان که با نام متد کلاسیک نیز شناخته می‌شود، روش دستور-ترجمه «Grammar Translation Method» است که به‌طور مخفف از آن با عنوان «GTM» یاد می‌شود. در این روش زبان‌آموز به آن نیاز داشته که تمام متن را واژه به واژه ترجمه کند و نکات گرامری و نیز استثناهای موجود در آن را به‌خاطر بسپارد و فهرستی طولانی از واژگان را در حافظه نگاه دارد. (لارسن فریمن، ۱۳۹۱: ۱۱). در اینجا دستور زبان به‌منزله نقشه‌ای است که یادگیری آن، تکمیل



ساختمان زبان را به دنبال دارد. همچنین واژه ترجمه در عنوان شیوه مذکور را می‌توان از دو بُعد روش و هدف بررسی کرد. از بُعد روش، کلمه ترجمه نشان‌دهنده نحوه یادگیری زبان خارجی است که مبتنی بر خواندن و ترجمه است. از بُعد هدف، استفاده از واژه ترجمه در عنوان شیوه، نشانگر هدف اصلی از آموزش زبان است. در واقع هدف اصلی راهبانی که در این دوره به آموزش زبان می‌پرداختند، چیزی جز کسب مهارت و توانایی ترجمه نبود. (حقانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

بنابراین در این روش که طراحی آن با هدف توانایی بخشیدن به فرد برای خواندن و ترجمه آثار فاخر ادبی صورت گرفته، کلاس‌ها به زبان بومی فراگیران اداره می‌شده و هر بخش از کتاب با انبوهی از واژگان (البته به همراه ترجمه آن) تشکیل و نکات گرامری نیز به همراه استثناهای موجود در آن در داخل درس ذکر می‌شده است. ترجمه خسته‌کننده و تمرینات مختلف گرامری - همه و همه - برای افزایش دانش زبانی خواننده بوده است، بدون آنکه به کاربرد زبان در عمل توجهی صورت گیرد.

با توجه به توضیحاتی که در بخش پیشین درباره آموزش زبان به شیوه GTM ذکر شد، اگر شیوه آموزش زبان عربی در مدارس ایران مورد بررسی قرار گیرد، این نتیجه حاصل می‌شود که متأسفانه هنوز هم این روش از سوی تعداد قابل توجهی از معلمان درس زبان عربی مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنان ترجمه و فهم متن بر محتوای اصلی کتاب‌های دو مقطع متوسطه اول و دوم حکمفرماست.

از جمله نشانه‌های تبعیت از این متد در میان معلمان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) معلمان برای آموزش زبان عربی از زبان فارسی یعنی زبان مادری فراگیران استفاده می‌کنند که این موضوع به آنها این امکان را می‌دهد تا انرژی کمتری برای آموزش زبان خارجی استفاده نمایند؛ چرا که بیان مفهوم یک واژه به زبان خارجی - آن هم به شکلی که توسط زبان‌آموز دریافت و درک شود - مقدار بیشتری انرژی را از آموزگار می‌گیرد. از سوی دیگر، استفاده از این روش، باعث می‌شود آموزگار حتی در صورت عدم تسلط کافی بر زبان مقصد (زبان خارجی)، باز هم توانایی تدریس زبان خارجی را داشته باشد.

ب) تعداد زیادی از معلمان زبان عربی به موضوع تقویت قوه شنیداری بی‌توجه هستند و تلاش نمی‌کنند تا میزان توانایی فراگیر را در خصوص فهم و درک گفتار یک عرب‌زبان بالا ببرند و از این رو، با افرادی مواجه هستیم که در درک طرف مقابل با مشکل روبه‌رو هستند.

ج) اغلب معلمان در کنار عدم توجه به بُعد شنیداری در آموزش زبان، به موضوع مکالمه و گفتار فراگیران نیز توجهی ندارند و اگر هم توجه داشته باشند - به دلیل آنکه روش آنان در مسیر آموزش مکالمه نیست - موفقیتی را در این عرصه به دست نمی‌آورند.

د) بیشتر معلمان واژگان را معنا کرده و ترجمه ساختارهای متفاوت نحوی را توضیح می‌دهند و اگر در کتاب - ولو به صورت گذرا - مکالمه‌ای آمده باشد، با بی‌توجهی از کنار آن می‌گذرند و دانش‌آموزان را به حفظ آن ترغیب نمی‌کنند.

خلاصه آنکه «عدم استفاده دبیران از روش‌های متنوع و نوین تدریس در کلاس‌های عربی و تأکید آنها بر روش‌های سنتی باعث افت جذابیت مطالب این درس می‌شود». (فسنقری و عادل، ۱۳۹۷: ۱۹۶)

۳. آموزش نامناسب گرامر

دستور زبان در کتاب‌های دوره متوسطه به شیوه فرمول‌بندی و قانون‌گرامری تدریس و مواردی ذکر می‌شود. به‌عنوان مثال، به زبان‌آموز گفته می‌شود که برای ساختن امر در زبان عربی، حرف مضارعه را حذف کرده و اگر بعد از حرف مضارعه ساکن بود، یک همزه اضافه کنند و اگر ساکن نبود، نیازی به همزه نیست. سپس حرف آخر فعل را ساکن می‌نماییم و اگر «ن» مثنی یا جمع داشت، آن را حذف می‌کنیم و اگر «نون مشدد» بود، قابلیت حذف را ندارد و باید به همان شکل اول باقی بماند.

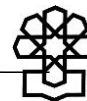
تصور شود که فردی می‌خواهد با یک عرب‌زبان صحبت کند و تأکید دارد که گرامر را به‌طور کامل رعایت نماید. چقدر زمان لازم است تا فردی که با استفاده از روش مذکور گرامر را آموخته است، منظور خود را به طرف مقابل منتقل کند. از سوی دیگر، در برخی از درس‌ها چندین ساختار گرامری مشابه ارائه می‌شود و این باعث می‌شود تا از توان زبان‌آموز برای انتخاب فرمول بهتر کاسته شود.

۴. دامنه محدود واژگان و متون درسی

یکی از اشکالاتی که در کتاب‌های مختلف آموزش زبان عربی در مدارس (متوسطه اول و دوم) دیده می‌شود، آن است که متون درسی و واژگان پایه این کتاب‌ها محدود است و فراگیری و شمولیت لازم را با توجه به گستره زندگی اجتماعی و نیازهای وسیع دانش‌آموزان ندارند. از مهم‌ترین یافته‌های مطالعه بهادری (۱۳۹۴) با موضوع «نقد و بررسی کتاب‌های عربی دوره متوسطه اول (هفتم، هشتم و نهم)»: این است که در کتاب‌های متوسطه اول قواعد در حاشیه‌اند نه در متن کار و بیشتر در خدمت فهم متن و ترجمه درست هستند. واژه‌های این سه کتاب از واژه‌های رایج متون دینی و ادب فارسی هستند. کتاب‌های دوره متوسطه اول تا حدود زیادی اصول حاکم بر برنامه‌ریزی درسی را رعایت کرده‌اند. متن‌های کتاب به‌خصوص در پایه هفتم و هشتم جذابیت و گیرایی ندارند و به‌جای استفاده از داستان‌های شیرین اخلاقی و دینی از متون یا داستان‌های تصنعی استفاده شده است... کتاب هفتم با احادیث و حکم که جمله‌ها و عبارت ادبی و فنی هستند، شروع می‌شود که روشی نادرست است.

۵. غلبه گرامر و قواعدمحوری در آموزش زبان عربی

«در تدریس زبان عربی باید چهار مهارت اصلی را در نظر گرفت؛ توجه بیش از حد به قواعد زبان باعث شده است معلمان و دانش‌آموزان علاقه چندانی به تدریس و یادگیری زبان عربی نداشته باشند»



(فسنقری و عادل، ۱۳۹۷: ۱۸۴). به بیان دیگر، براساس اسناد و قوانین بالادستی به‌ویژه برنامه درسی ملی، هدف از آموزش زبان عربی در مدارس ایران چنین ترسیم شده است: ارتباط با کتاب الهی، استفاده از معارف اهل بیت (ع)، درک معنای آیات قرآنی و کلام معصومین و تقویت زبان فارسی. از این رو آنچه در فرایند آموزش زبان عربی در مدارس ایران مهم و اصل به‌شمار می‌رود متون است و نه قواعد و باید قواعد در خدمت متن و فهم آن باشند.

«شواهد نشان می‌دهد که با وجود اینکه دانش‌آموزان به مدت ۶ یا ۷ سال عربی را فرا می‌گیرند، کمتر فارغ‌التحصیل دبیرستان می‌تواند با اکتفا به اندوخته‌هایش در مدرسه، قادر به فهم مضامین متعالی قرآن و احادیث باشد. یکی از دلایل عمده این نقیصه، این است که دانش‌آموز، حجم زیادی از قواعد صرفی و نحوی و لغات را همان‌گونه که معلم به او القا کرده است، طوطی‌وار حفظ می‌کند و بعد از فراغت از امتحان، حافظه خویش را از سنگینی بار آنها رها می‌کند و در نتیجه، جز سایه‌ای از آن آموخته‌ها در ذهن وی نمی‌ماند». (حق دوست راد، ۱۳۸۸: ۳۶)

تکیه و تمرکز آموزش زبان عربی بر قواعد و گرامر می‌تواند به همان اندازه، عرصه آموزش این زبان را از دیگر ابزارهای مهم زبان‌آموزی دور کند و این چالشی است که در بسیاری از کشورها تجربه شده است: «آموزش زبان عربی در اکثر کشورهای غیرعربی بیشتر مبتنی بر قواعد است و ارزیابی از دانش‌آموزان نیز به این امر معطوف است. در آموزش زبان عربی در این کشورها چندان نوآوری دیده نمی‌شود و با رشد تکنولوژی‌های نوظهور از جمله رشد شبکه‌های اجتماعی، بازنگری در محتوای برنامه‌های درسی و روش‌های آموزش زبان عربی و رفع موانع یادگیری آسان‌تر است». (ایمان‌زاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۴)

برخی از موانع یادگیری زبان عربی مربوط به عوامل بیرون از نظام آموزشی این زبان است، «ولی به نظر می‌رسد با تمرکز بر عوامل داخلی و استفاده از روش‌های نوین آموزشی، بهبود روش‌های تدریس و تغییر بعضی راهبردها (مثل تبدیل راهبرد قاعده‌محور به متن‌محور) بتوان بسیاری از مشکلات آموزش زبان عربی را در مدارس حل کرد». (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

۶. نبود وسایل کمک آموزشی دیداری و شنیداری و ابزارهای چندرسانه‌ای

اگرچه نمی‌توان ابزارهای کمک‌آموزشی را تعیین مصداق کرد، زیرا هر ابزاری که امر یادگیری را تسهیل کند کمک‌آموزشی به‌شمار می‌رود مضافاً آنکه هرروزه بر مصادیق آن افزوده می‌شود، به هر روی، «رسانه‌های آموزشی باعث تسهیل فرایند یادگیری، درگیری عمیق فراگیر در جریان یادگیری، افزایش بازده آموزشی، یادگیری فردی، شکل‌گیری معنا در ذهن فراگیر و... می‌شود». (ایمان‌زاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۲۰)

براساس بند «۲-۸» سند برنامه درسی ملی، آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در

تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد. بنابراین تحقق این میزان از یادگیری مهارت‌های چهارگانه زبان عربی نیازمند ابزارهای کمک‌آموزشی دیداری و شنیداری هستند که باید زبان‌آموزان طبیعتاً به آنها دسترسی داشته باشند. «زبان عربی مانند زبان انگلیسی و سایر زبان‌ها، نیاز به کارگاه آموزشی سمعی و بصری دارد؛ اما متأسفانه تقریباً در هیچ مدرسه‌ای این امکانات وجود ندارد». (فسنقری و عادل، ۱۳۹۷: ۱۹۸)

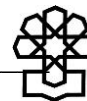
البته با توجه به آنچه در خصوص موضوع آموزش مهارت‌های چهارگانه مذکور در برنامه درسی ملی و کتاب‌های درسی عربی دیده شده است باید گفت که میان این دو فاصله بسیاری وجود دارد و متأسفانه کتاب‌های درسی عربی تدوین‌شده براساس برنامه درسی ملی به‌نحوی تدوین شده‌اند که دبیران و دانش‌آموزان نیازی به استفاده از وسایل سمعی و بصری نمی‌بینند، زیرا اساساً بخش مرتبط با شنیدن یا خواندن یا صحبت کردن در این کتاب‌ها تعبیه نشده، بلکه تمرکز اصلی بر ترجمه واژگان، ترجمه متن درس و فهم قواعد مربوطه است. خلاصه آنکه از این حیث، فاصله بسیاری میان سند برنامه درسی ملی و کتاب‌های درسی زبان عربی دوره متوسطه وجود دارد.

پژوهش حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در خصوص بررسی کارآمدی آموزش زبان عربی عمومی در مقطع متوسطه نشان می‌دهد که «این محتوا نمی‌تواند دانش‌آموزان را آماده کند که به‌طور مستقل بتوانند زبان عربی را بیاموزند و از آن استفاده کنند، نظام آموزشی کشور ما بسیار بر محتوای کتاب درسی، به‌عنوان تنها ابزار رسیدن به اهداف آموزشی تکیه دارد، در حالی که کتاب درسی باید به‌عنوان جزئی از یک بسته آموزشی، دربردارنده فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، منابع آموزشی گوناگون، آزمایشگاه و کارگاه و مانند آن باشد. در آموزش زبان غیرمادری، استفاده از لابراتوار زبان و وسایل کمک‌آموزشی همچون چندرسانه‌ای‌ها ضروری است». (حکیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹)

همه اینها در حالی است که براساس پژوهش‌ها استفاده از امکانات آموزشی در یادگیری درس عربی بسیار مؤثر است و نبود این امکانات یا استفاده کم از آنها یکی از موانع یادگیری درس عربی به‌شمار می‌رود. (حق دوست راد، ۱۳۸۸: ۴۴)

«اگر خواهان دیدگاه در نگرش دانش‌آموزان نسبت به زبان عربی هستیم یک ساعت در هفته را به مکالمه و استفاده از نوارهای درسی عربی اختصاص می‌دهیم» (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۳) و «پژوهش سحریر و الیاس (۲۰۱۲) در باب ادراک ۱۳۳ نفر از یادگیرندگان مالزیایی از یادگیری زبان عربی از طریق بازی‌های آنلاین آموزشی نشان می‌دهد که بخش عظیمی از یادگیرندگان (۱۱۳) به این امر اعتقاد داشتند که روش‌های نوین آموزشی از جمله یادگیری از طریق بازی‌های آنلاین، یادگیری بهتری را در آموزش زبان عربی به‌عنوان یک زبان خارجی ایفا می‌کند». (ایمان‌زاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۱۰)

اما در خصوص وضعیت موجود و آنچه در کلاس‌های درس آموزش زبان عربی می‌گذرد باید گفت که «کتاب درسی عربی تنها وسیله آموزشی در مدارس ایران است، زیرا براساس تحقیقاتی که نگارندگان



کرده‌اند، بسیاری از مدارس از وسایل کمک‌آموزشی استفاده نمی‌کنند و بیشتر معلمان و دانش‌آموزان از وجود این بسته‌های آموزشی بی‌خبرند. این امر سبب شده است معلمان وسایل کارآمدی برای اجرای صحیح راهبردهای تدریس خود نداشته باشند». (متقی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۷)

افزون بر اینها، استفاده از چندرسانه‌ای‌ها در امر آموزش می‌تواند فرایند یادگیری را تعمیق دهد و تا اندازه بسیار زیادی، فراگیران را درگیر سازد و انگیزه یادگیری را در آنها افزایش دهد. استفاده از این ابزارهای کمک‌آموزشی به‌ویژه برای آموزش زبان عربی که عموماً در میان دانش‌آموزان از استقبال خوبی برخوردار نیست می‌تواند به جذابیت‌های این ماده درسی بیفزاید. صفری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تعیین میزان ارتقای سطح انگیزش پیشرفت دروس زبان انگلیسی و عربی با استفاده از روش آموزش چندرسانه‌ای پرداخته‌اند. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که میان نمرات دو گروه گواه و آزمایش در آزمون انگیزش پیشرفت تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج به‌دست آمده در این مطالعه بیانگر این بود که بین دانش‌آموزان دو گروه (آموزش‌دیده با آموزش چندرسانه‌ای و با روش رایج) از نظر میزان انگیزش پیشرفت تفاوت معناداری وجود دارد. (صفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

۷. زمان اندک تدریس

«افزایش سطح انتظارات سازمان‌ها و ارگان‌های متفاوت از تعلیم و تربیت و نقش‌آفرینی آن در حوزه‌های مختلف، نظام آموزشی را با محدودیت‌هایی از جمله محدودیت زمان مواجه کرده است. با اینکه زمان‌بندی هفتگی تدریس ثابت مانده است، ولی درخواست برای تدریس دروس و مهارت‌های جدید نظیر مهارت‌های شهروندی، حقوق شهروندی، سلامت، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی نظام تعلیم و تربیت را با تنگنانهایی مواجه کرده است». (ایمان‌زاده و عبادیان، ۱۳۹۸: ۱۹)

یکی از مهم‌ترین مشکلات آموزش زبان عربی در مدارس، تعداد کم ساعات درسی اختصاص‌یافته به این درس در مقایسه با حجم بالای کتاب‌های درسی است. (حکیم‌زاده و همکاران ۱۳۹۴: ۴۶) در بخشی از مقاله خود با بررسی میدانی چالش‌های دبیران در آموزش زبان عربی در ایران، با آوردن گزاره‌هایی از قبیل «تعداد زیاد دانش‌آموزان و جمعیت زیاد کلاس‌ها»، «محدود بودن ساعات درسی (هفته‌ای یک جلسه)» و «پیچیدگی آموزش زبان عربی در ایران» به این چالش اشاره کرده‌اند.

۸. عدم تبیین درست اهداف آموزش زبان عربی

عدم تبیین صحیح اهداف آموزش زبان عربی از دیگر چالش‌های آموزش این زبان در ایران است. عدم تبیین اهداف مورد نظر از یادگیری درس عربی می‌تواند نگرش منفی نسبت به این درس در دانش‌آموزان ایجاد کند و انگیزه یادگیری را در آنها به‌شدت کاهش دهد. بخشی از عدم انگیزه دانش‌آموزان به زبان عربی می‌تواند ناشی از این باشد؛ «ارائه نشدن تصویری صحیح از جایگاه زبان عربی در روابط بین‌الملل و تبیین نکردن

اهمیت عربی و سرمایه‌های علمی و معنوی موجود در آن ... در بی‌انگیزه ساختن دانش‌آموزان مؤثر است» (لامعی‌گیو و مقبولی، ۱۳۹۷: ۸۴). ازسوی دیگر، عدم تبیین اهداف آموزش زبان عربی می‌تواند باعث ایجاد نگرش منفی در دانش‌آموزان نسبت به این زبان شود، امری که پژوهش‌هایی آن را اثبات کرده‌اند. «نگرش دانش‌آموزان به درس عربی، منفی است...، امری که به‌سادگی نمی‌توان از کنار آن گذشت؛ زیرا می‌تواند یکی از دلایل عدم تمایل دانش‌آموزان به درس عربی باشد». (اختری، ۱۳۸۵: ۵۳)

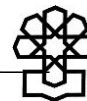
در مقابل، تبیین صحیح اهداف عمومی و تخصصی آموزش زبان عربی و ارائه گفتگوهای کاربردی در بافت‌های گفتمانی هدفمند و به تبع آن ایجاد محیط محاوره‌ای شبیه‌سازی شده به فرهنگ و اجتماع گویش‌وران خارجی، کارکردگرایی و کارمحوری، زمینه‌سازی برای کاربرد زایشی توانش زبانی و درنهایت، برون‌داد مداوم و عملی زبان ازسوی زبان‌آموز، نقش برجسته‌ای در ایجاد انگیزه و تسلط به زبان عربی/خارجی ایفا می‌کند. (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۵)

۹. نامناسب بودن روش ارزشیابی درس زبان عربی

براساس برنامه درسی ملی، آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن به مثابه ابزارهای در خدمت درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی و تقویت زبان فارسی در نظر گرفته شده است. بنابراین بدیهی است که سنجه ارزشیابی از درس عربی نیز متناسب با مهارت‌های چهارگانه فوق باشد و بتواند آنها را بسنجد. اما آنچه درخصوص ارزشیابی درس عربی در حال انجام است، رویه‌ای خلاف وضعیت مطلوب است. «ارزشیابی پایان ترم ۲۰ نمره و به‌صورت کتبی انجام می‌گیرد و مبنای تصمیم‌گیری در دستیابی فرد به اهداف آموزشی می‌شود و سؤالات ارزشیابی به قواعد و تجزیه و تحلیل تأکید دارد نه به مکالمه و در یک کلام قواعدمحوری است، لذا ابزار ارزشیابی روایی و پایایی لازم را ندارد». (ایمان‌زاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۲۱)

افزون بر آنکه سطوح چهارگانه آموزش زبان عربی در ارزشیابی‌های کلاسی مورد سنجش قرار نمی‌گیرند، محتوای آموزشی در سطح متن کتاب‌های درسی نیز به شکل متوازی در ارزشیابی‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. «مسئله مهم در رابطه با انگیزه یادگیری، نوع سؤالات امتحانی است. از آنجایی که غالباً سؤالات امتحانی کاملاً مثل سؤالات کتاب است، دانش‌آموز مطالب کتاب را عیناً و بدون یادگیری به خاطر سپرده و حتی نمره بالا هم کسب می‌کند، لذا برای یادگیری مطالب کتاب اقدامی نمی‌کند در صورتی که اگر نوع سؤالات کتاب به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را به فراگیری علاقمند و مشتاق ابتکار عمل نماید از این یادگیری هم احساس لذت می‌کند و هم در درس پیشرفت می‌نماید». (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۳)

افزون بر سؤالات امتحانی درون‌مدرسه‌ای، باید به این نکته مهم نیز توجه نشان داد که کنکور (آزمون سراسری) یکی از ارزشیابی‌های اثرگذار بر فرایند آموزش محتوای درسی است که می‌تواند به



تنهایی مسیر آموزش را تغییر دهد و مانع از تحقق اهداف مصرح در برنامه درسی ملی شود. در این باره باید توضیح داد که اگرچه در کتاب‌های درسی نونگاشت زبان عربی، تغییراتی در خصوص متن‌محوری و دوری از قواعد محوری اعمال شده است، اما نوع سؤالات آزمون سراسری که موفقیت در آن، اتفاق بزرگی برای دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود توانسته است حیطه قواعد را بیش از درک و فهم متن برجسته و پُررنگ نمایاند. «تدریس قواعد به‌منظور کمک به تسهیل یادگیری زبان عربی است. به نظر می‌رسد در تدریس دروس عربی در سیستم آموزش و پرورش ایران، این نکته بالعکس اجرا می‌شود، یعنی به‌جای تأکید و تلاش در جهت ژرف‌سازی مکالمه عربی و رسیدن به هدف این درس که همان قرائت و ترجمه صحیح متون دینی است آنقدر به نکات دستوری پرداخته می‌شود که محدودیت زمانی تدریس این کتب مانع از سرمایه‌گذاری زمانی برای قرائت ترجمه صحیح می‌گردد. با توجه به اینکه مؤلفین این کتب هم در دستور کارشان این نکات را گنجانده‌اند، ولی نتیجه‌مداری فرایند تدریس باعث می‌شود که جهت تقویت توانایی دانش‌آموزان در پاسخ‌دهی به سؤالات کنکور، همین بخش مذکور یعنی دستور زبان اهمیت بیشتر یابد». (ایمان‌زاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۱۵-۱۶)

۱۰. ناکارآمدی آموزش‌های ضمن خدمت

آموزش‌های ضمن خدمت به آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای گفته می‌شود که برای توانمندسازی و ارتقای مهارت‌های شغلی، حرفه‌ای و سطح دانش تخصصی مورد نیاز در حین تصدی شغل (بعد از استخدام) به کارکنان ارائه می‌شود. وزارت آموزش و پرورش از گذشته تاکنون برای ارتقای توانمندی‌های آموزشی معلمان، آموزش‌های ضمن خدمت به آنها ارائه می‌دهد. اگرچه در گذشته عمدتاً این آموزش‌ها حضوری بوده، اما امروزه اغلب این آموزش‌ها الکترونیکی و غیرحضوری هستند که همین امر چالش‌ها و مشکلاتی همچون کاهش سطح کیفی آموزش‌ها، عمومی بودن محتوای آموزشی دوره‌ها و امکان تقلب در اخذ گواهی پایان دوره را ایجاد کرده است. افزون بر این، «اکثر قریب به اتفاق آزمون‌های ضمن خدمت فرهنگیان و آزمون‌های علمی - تخصصی با هدف توانمندسازی همکاران در تدریس در جایگاه یک نیروی موفق مؤثر در کلاس نیست». (ایمان‌زاده و عبادی، ۱۳۹۸: ۲۰)

راهکارها

اگرچه عوامل بسیاری در یادگیری برنامه درسی و به‌طور خاص زبان عربی، مؤثر است، اما یکی از این عوامل که می‌تواند سایر عوامل را تحت‌الشعاع قرار دهد و به‌عنوان پیشران در خصوص ارتقای آموزش زبان عربی در مدارس انتخاب شود تغییر روش تدریس سنتی آموزش زبان عربی در مدارس است. هم‌اکنون روش تدریس زبان عربی در مدارس به این نحو است که محتوای درسی از قبل تدوین شده،

توسط معلم و اغلب با روش سخنرانی با محوریت معلم ارائه می‌شود و دانش‌آموزان نیز به‌طور منفعلانه، مخاطب قرار می‌گیرند. بنابراین با توجه به همه تحولات رخ داده در حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ضرورت دارد روش سنتی تدریس تغییر یابد و روش تدریس گفتگومحور با مشارکت همه عناصر و استفاده از ابزارهای نوین یادگیری جایگزین شود. در همین راستا، مراحل ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. شورای عالی آموزش و پرورش: بازنگری در حوزه تربیت و یادگیری زبان عربی در برنامه درسی ملی با رویکرد تأکید بر نقش ارتباطی زبان عربی در متون درسی و انعکاس این سطح مهارتی در کتاب‌های درسی زبان عربی.

۲. دانشگاه فرهنگیان: بازنگری و اصلاح فرایند تربیت نیروی انسانی ویژه آموزش زبان عربی و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت با رویکرد تربیت نیروی انسانی متخصص آموزش زبان عربی و نه زبان و ادبیات عربی.

۳. معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش: اصلاح و بازنگری اساسی در نحوه ارزشیابی درون‌مدرسه‌ای و آزمون سراسری دانش‌آموزان و فراگیران زبان عربی از قواعدمحوری کتبی به متن‌محوری و شفاهی.

۴. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی: تغییر و بازنگری در محتوای درسی با رویکرد پرهیز از قواعدمحوری، تمرکز بر فهم و درک متن، تناسب‌سازی با مهارت‌های چهارگانه آموزش زبان خارجی.

۵. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی: تهیه و تولید محتوای الکترونیکی و مواد آموزشی چندرسانه‌ای آموزش زبان عربی توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با هدف افزایش انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان و استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین آموزش زبان خارجی همچون بازی‌های آنلاین ویژه آموزش زبان.

۶. دبیران آموزش زبان عربی در مدارس: ارائه محتوای درسی آموزش زبان عربی با روش گفتگومحوری، پرهیز از معلم‌محوری در کلاس درس، فراهم کردن محیط زبانی در کلاس درس، تغییر روش ارزشیابی مبتنی بر حافظه به سمت ارزشیابی مبتنی بر مهارت‌های خواندن، صحبت کردن و گفتگو.



الف) اسناد و قوانین

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. قانون برنامه پنجم توسعه، مجلس شورای اسلامی، مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۳۰.
۳. سند برنامه درسی ملی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، اسفندماه ۱۳۹۱.
۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب آذرماه ۱۳۹۰.
۵. سند نقشه جامع علمی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۱۳۸۹/۱۰/۱۴.
۶. سند نقشه جامع علمی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۱۳۸۹/۱۰/۱۴.
۷. سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۵/۲.
۸. مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۸.
۹. مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مصوب جلسه ۶۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۹.
۱۰. مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مصوب جلسه ۶۲۶ مورخ ۱۳۷۷/۷/۳۰.
۱۱. مصوبه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی، جلسه ۸۶۹ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۸.

ب) کتاب‌ها و مقالات

۱۲. ایمان‌زاده، علی و زهرا، عبادی. تجربیات زیسته دبیران عربی از دلایل ناکارآمدی آموزش زبان عربی: مطالعه‌ای پدیدارشناختی، مجله پژوهش‌های برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.
۱۳. اختری، طاهره. بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران به درس عربی و عوامل مرتبط با آن، دو ماهنامه علمی و پژوهشی دانشور رفتار، سال سیزدهم، ش ۱۸، دانشگاه شاهد، ۱۳۸۵.
۱۴. بهادری، فواد. نقد و بررسی کتاب‌های عربی دوره متوسطه اول (هفتم، هشتم و نهم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر محمدعلی آذرشب، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۱۵. پروینی، خلیل. بررسی و نقد روش آموزش زبان عربی به شیوه مستقیم: (بررسی موردی: کتاب‌های دکتر حسین خراسانی، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، سال اول، ش ۲، تابستان ۱۳۸۹).
۱۶. جمشیدی اوانکی، نسرين. روش‌شناسی آموزش زبان عربی در ایران از ظهور اسلام تا پایان قرن ششم هجری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵.
۱۷. حقانی، نادر. آموزش زبان در بستر مجازی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۱۸. حق دوست راد، سیده‌زهرا. موانع یادگیری درس عربی در دوره متوسطه از دیدگاه دبیران، کتاب ماه ادبیات، ش ۲۷ (پیاپی ۱۴۱)، تیر ۱۳۸۸.
۱۹. سلیمی، علی. آموزش زبان عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران نقش‌ها و کاستی‌ها و راهکارها: مجموعه مقالات همایش مدیران گروه‌های عربی کشور، دانشگاه بوعلی همدان، تیرماه ۱۳۸۶.
۲۰. طهماسبی، عدنان و دیگران. آموزش اهداف عمومی و دانشگاهی در مکالمه زبان عربی با تکیه بر سیلابس مفهومی - کاربردی و روش کارمحور، مجله جستارهای زبانی، جلد ۵، ش ۵، ۱۳۹۳.
۲۱. علوی‌مقدم، سیدبهنام و رضا، خیرآبادی. بررسی انتقادی برنامه درسی ملی در حوزه آموزش زبان‌های خارجی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال هفتم، ش ۲۵، تابستان ۱۳۹۱.

۲۲. فسنقری، حجتا... و سیدمحمدرضا، عادل. بررسی مقایسه‌ای آسیب‌شناسی یادگیری و آموزش زبان انگلیسی و عربی در ایران از دیدگاه دبیران آموزش و پرورش: یک تحقیق داده‌بنیاد، دوماهنامه علمی و پژوهشی جستارهای زبانی، دوره ۹، ش ۲ (پیاپی ۴۴)، خرداد و تیرماه ۱۳۹۷.
۲۳. لامعی گیو، احمد و مریم، مقبولی. بررسی تطبیقی میزان اثربخشی آموزشی کتاب‌های تازه تألیف عربی متوسطه اول و دوم از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان شهرستان بیرجند، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۴۹، زمستان ۱۳۹۷ (۲۰۱۸ م).
۲۴. لارسن فریمن، دایان و مارتی، اندرسون. اصول و فنون آموزش زبان، مترجمان: مستانه حقانی و منصور فهیم، نوبت چاپ ۱، تهران، انتشارات رهنما، ۱۳۹۱.
۲۵. حکیم‌زاده، رضوان و همکاران. بررسی مشکلات و چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران از نظر متخصصان، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۳۴، بهار ۱۳۹۴.
۲۶. رضایی، یاور. علل بی‌علاقگی دانش‌آموزان به زبان عربی، آموزش معارف اسلامی، دوره ۲۴، ش ۳، بهار ۱۳۹۱.
۲۷. متقی‌زاده و دیگران. بررسی و نقد میزان استفاده دبیران از راهبردهای تدریس متون کتاب عربی دوره پیش‌دانشگاهی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۳۵، سال نهم، پاییز ۱۳۸۹.
۲۸. صفری، یحیی و همکاران. ارتقای سطح انگیزش پیشرفت دروس زبان انگلیسی و عربی با استفاده از روش آموزش چندرسانه‌ای، نشریه علمی و پژوهشی آموزش و ارزشیابی، سال نهم، ش ۳۳، بهار ۱۳۹۵.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۷۱۴۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: چالش‌ها و راهکارهای آموزش زبان عربی در مدارس

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه آموزش و پرورش و فنی‌وحرفه‌ای)
تهیه و تدوین کنندگان: موسی بیات، سعداله همایونی
ناظران علمی: صادق ستاری‌فرد، سینا کلهر

واژه‌های کلیدی:

۱. آموزش زبان
۲. سیاستگذاری‌های زبانی
۳. زبان عربی
۴. آموزش عربی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۴/۲۸